

تخیل مادی آتش در نگاره «عروسی همای و همایون» اثر جنید بر مبنای «نظریه گاستون باشلار»

سجاد فطرتی^۱، کریم میرزایی^۲، پرینا احسانی^۳


تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱۸


Doi: 10.22034/rac.2025.2058647.1124

چکیده

نگاره عروسی همای و همایون اثر جنید، به عنوان یکی از آثار بارز نگارگری ایرانی، دارای بار معنایی عمیق و نمادهای فرهنگی غنی است. این پژوهش به بررسی عنصر آتش و ارتباط آن با تخیل انسانی در این نگاره می‌پردازد. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان با استفاده از نظریه گاستون باشلار، پیوند میان عنصر آتش و تخیل انسانی را در این اثر تحلیل و تبیین کرد؟ این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و بر اساس رویکرد پدیدارشناسانه به تحلیل عنصر آتش در نگاره مذکور می‌پردازد. جامعه آماری شامل چهار نگاره از آثار جنید است که در آنها عناصر مختلف هنر و تخیل نمایان هستند. نگاره حاضر به دلیل تنوع موضوعی و حضور برجسته عنصر آتش در آن، به عنوان نمونه‌ای متناسب با چارچوب نظری باشلار برای تحلیل انتخاب شده است. داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای، شامل کتاب‌ها و مقالات علمی معتبر و تحلیل‌های مرتبط، جمع‌آوری شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عنصر آتش در نگاره عروسی همای و همایون به عنوان نمادی از عشق و زندگی، ارتباطات عاطفی عمیق میان شخصیت‌ها را نمایان می‌سازد. وجود شمع‌ها با رنگ‌های گرم و طراحی‌های خاص، حس سرزندگی، امید و انرژی را به تصویر می‌کشد. این مطالعه به درک عمیق‌تری از پیوندهای میان هنر، تخیل و عناصر طبیعی در هنرهای بصری ایرانی کمک می‌کند. همچنین، تأکید می‌کند که آتش نه تنها یک عنصر بصری بلکه ابزاری کارآمد برای بیان احساسات و آغازهای نوین در زندگی مشترک است که می‌تواند بیننده را به تفکر در مورد عشق، پیوندها و ارزش‌های انسانی سوق دهد.

واژگان کلیدی: تخیل مادی، جنید، عروسی همای و همایون، عنصر آتش، گاستون باشلار

۱. کارشناس ارشد، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).
Email: Sa.fetrati@tabriziau.ac.ir  0009-0005-8144-8425

۲. استادیار، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
Email: k.mirzaee@tabriziau.ac.ir  0000-0002-0575-2266

۳. کارشناس ارشد رشته نقاشی ایرانی، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
Email: parisaehsani1992@gmail.com  0009-0000-0284-1135

مقدمه

گردآوری شده‌اند. ابزارهای مورد استفاده شامل فیش برداری، یادداشت برداری از تحلیل‌ها و تطبیق داده‌ها با نظریه گاستون باشلار است. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی می‌شوند. در این مرحله، متن‌ها و آثار هنری به لحاظ عنصر آتش و تخیل انسانی تجزیه و تحلیل شده و تلاش می‌شود تا با تکیه بر نظریه باشلار، ارتباطات و زوایای مختلف آنها استخراج گردد. در این نوشتار، ابتدا به پیشینه‌های مرتبط با موضوع پرداخته می‌شود و سپس نظریه گاستون باشلار در مورد تخیل به تفصیل بیان می‌گردد. در ادامه، نگاره عروسی همای و همایون بر مبنای نقد تخیل مادی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در نهایت، با مطالعه و تحلیل نگاره از دیدگاه باشلار، نقش عنصر طبیعی آتش و پیوند میان آن و تخیل انسانی در نگاره حاضر تبیین می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام شده در زمینه نظریهٔ نقد تخیلی گاستون باشلار عمدتاً به تبیین متن اشعار در حوزه ادبیات پرداخته‌اند. اما جای تأمل دارد که تحقیقات مربوط به نقاشی ایرانی در این راستا بسیار محدود بوده است. در ادامه، به برخی از این پژوهش‌ها که مرتبط با این موضوع هستند، اشاره می‌شود.

گاستون باشلار در آثار خود از جمله *شعله شمع و روانکاو* آتش که توسط جلال ستاری به فارسی ترجمه شده‌اند، به بررسی تخیل عناصر اربعه، به ویژه عنصر آتش پرداخته است (باشلار، ۷۸-۱۳۷۷). مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعهٔ نقد تخیلی در منتخبی از آثار سلطان محمد نقاش بر اساس نظریهٔ گاستون باشلار» به نگارش میرزایی و فطرتی باسمنج به مطالعهٔ عناصر چهارگانه در منتخبی از آثار سلطان محمد نقاش از دیدگاه باشلار توجه داشته‌اند. پورشهرام (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تخیل ادبی کهن الگوی آتش در داستان سیاوش از منظر گاستون باشلار» به مطالعهٔ نقش عنصر آتش به عنوان یک نماد خیالی در این داستان پرداخته است. در این تحقیق، نقش آتش به عنوان نمادی چند وجهی از پیچیدگی‌های انسانی و فرهنگی، قهرمانی، ایثار و چالش‌های درونی شخصیت‌ها بررسی شده است. همچنین، سعیدی (۱۳۸۷) نیز به «بررسی عناصر چهارگانه آب، باد، خاک و آتش در شعر عنصری» تحلیل ژرفی از نقش هر یک از این چهار عنصر در شکل‌گیری مضامین شعر عنصری پرداخته است. در این مقاله، ارتباط عمیق میان انسان و طبیعت از طریق بررسی عناصر چهارگانه در شعر عنصری مورد تأکید قرار گرفته

نگارهٔ عروسی همای و همایون^۱ اثر «جنید»^۲ یکی از آثار بارز و شاخص در تاریخ نگارگری ایرانی به شمار می‌آید. این اثر نه تنها به خاطر زیبایی‌های بصری‌اش، بلکه به دلیل بار معنایی عمیق خود نیز مورد توجه هنرمندان و پژوهشگران قرار گرفته است. عنصر کلیدی این نگاره، عنصر «آتش» است که به صورت شمع‌های حباب‌دار نمایان شده و به عنوان نمادی از عشق، شور و زندگی تجلی یافته و بیانگر پیوندی میان «تخیل»^۳ و عواطف انسانی است. این پژوهش به بررسی عنصر آتش و ارتباط آن با تخیل انسانی در این نگاره می‌پردازد و با استفاده از رویکرد «پدیدارشناسانه»^۴، زوایای پنهان این اثر را مطابق با نظریهٔ «گاستون باشلار»^۵ تحلیل می‌کند. نظریه باشلار به بررسی تخیل و عناصر چهارگانه (آب، باد، آتش و خاک) می‌پردازد و تأثیر این عناصر بر تخیل هنرمند را تحلیل می‌کند. با تمرکز بر عنصر آتش، این پژوهش چارچوب نظری مناسبی را برای بررسی تأثیر آن بر تخیل انسانی فراهم می‌آورد. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان با استفاده از نظریه گاستون باشلار، پیوند میان عنصر آتش و تخیل انسانی را در نگاره عروسی همای و همایون تحلیل و تبیین کرد؟ هدف این پژوهش تحلیل و بررسی پیوندهای میان عنصر آتش و تخیل انسانی در نگاره عروسی همای و همایون با استفاده از نظریه گاستون باشلار است. آتش، به عنوان یک عنصر باستانی و قدرتمند، همواره نقش مهمی در اساطیر و هنر ایفا کرده است. به کارگیری نظریه باشلار در این تحلیل، امکان فهم دقیق‌تری از ارتباط میان آتش و تخیل را فراهم می‌آورد. این پژوهش با ارائه یک تحلیل منحصربه‌فرد و عمیق، به تولید دانش جدید در حوزه‌های مطالعات هنری و فلسفه هنر کمک می‌کند. در نهایت، این تحلیل به دنبال روشن کردن چگونگی بازنمایی و تأثیر عنصر آتش بر تخیل انسانی در اثر هنری خاص است و به درک عمیق‌تری از هنر و ذهنیت بشر می‌انجامد.

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و کیفی، به بررسی عنصر آتش در نگاره عروسی همای و همایون اثر جنید، از منظر نظریه پدیدارشناسانه گاستون باشلار می‌پردازد. جامعه آماری شامل چهار نگاره از آثار جنید است که نگاره عروسی همای و همایون به دلیل تنوع موضوعی و حضور برجسته عنصر آتش، به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شده است. داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای، شامل کتب و مقالات علمی معتبر،

رؤیایپردازی شاعرانه را به عنوان ابزاری برای کشف حقایق عمیق‌تر درباره هستی معرفی می‌کند. طبق استدلال باشلار، هنر و ادبیات، به عنوان دستاوردهای تخیل، صرفاً تقلید نیستند بلکه دگرگون‌کننده هستند. او تخیل را صرفاً بازنمایی واقعیت نمی‌داند، بلکه آن را بازآفرینی از منظر ناخودآگاه و تجربیات عاطفی تلقی می‌کند و به تضادهای مادی و ظهور تصویرهای مادی توجه دارد. این تضاد در مفهوم دوگانگی هر یک از عناصر چهارگانه، به بررسی ابعاد خیر و شر نیز رسیده است (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۲). در این چشم‌انداز، تخیل هنری با اسطوره‌ها، رویاها و خاطرات جمعی ارتباطی عمیق دارد. مفهوم «تخیل مادی» در آثار باشلار به بررسی چگونگی عمل عناصر چهارگانه آب، آتش، خاک و باد به عنوان نمادهای بنیادی در ادبیات و فراهم‌آوری مبنای پدیدارشناختی برای تحلیل تجربه انسانی می‌پردازد. این عناصر با ایجاد جهان‌های جدید، طنین‌افکن ناخودآگاه و روان جمعی انسان‌ها می‌شوند. در این راستا، مطالعه عنصر آتش در نگاره عروسی همای و همایون اثر جنید به عنوان یک بستر غنی فرهنگی و ادبی، فرصتی مناسب برای تحلیل تخیل بر اساس نظریه باشلار محسوب می‌شود.

عناصر چهارگانه در دیدگاه باشلار

عناصر چهارگانه آب، آتش، باد و هوا به عنوان سازنده‌های اصلی حیات بشری همواره توجه شاعران و هنرمندان را به خود جلب کرده‌اند. باشلار به تأثیر این عناصر بر تخیل شاعران پرداخته و معتقد است که هر عنصر نشان‌دهنده حالاتی از برداشت تخیلی آنها در بیان شعر و آثار هنری است. آب: در نقد «دنیاهای خیال» باشلار، آب‌های راکد به عنوان نمادی از ویرانی و مرگ جلوه‌گر می‌شوند، در حالی که آب‌های جاری و سیال نشان‌دهنده حیات و زندگی هستند. علاوه بر این، آب‌های عمیق و سطحی به ترتیب نمایان‌گر غنا و زوال وجودند. بر اساس دیدگاه او، تخیل مادی آب که در آب‌های زلال و جاری نمود می‌یابد، تنها از سطح عنصر نشأت می‌گیرد و به شاعر (هنرمند) اجازه نمی‌دهد تا به عمق ماده نفوذ کند (تحویلداری، ۱۳۸۳: ۵۴-۶۹).

آتش: در آثار نگارگری، آتش به عنوان ابزاری برای به تصویر کشیدن روایت‌های اسطوره‌ای و وقایع تاریخی به کار می‌رود. شعله‌های آتش می‌توانند نمایان‌گر لحظات دگرگونی، مداخلات الهی یا روح پابنده‌ای مردم ایران در مقاطع مختلف تاریخی باشند. این تصاویر نه تنها زیبایی بصری را به ارمغان می‌آورند،

در ششمین همایش پژوهش‌های ادبی، فروزان کیا و استاجی (۱۳۸۹) «تجلی آتش در اساطیر و ادیان» انجام شده به این نکته اشاره کرده‌اند که آتش در بسیاری از فرهنگ‌ها نماد زندگی، خلاقیت و پاکی به شمار می‌رود. این عنصر هم‌زمان می‌تواند نمایان‌گر ویرانی و خطر نیز باشد. آتش به عنوان یک عنصر فرهنگی و اسطوره‌ای، نه تنها در زندگی روزمره مردم بلکه در شکل‌دهی به باورها و ارزش‌های انسانی تأثیر معناداری دارد و در بسیاری از جوامع به عنوان نماد قدرت و تغییر شناخته می‌شود. این نوشتار به بررسی جایگاه آتش در ادبیات و فرهنگ‌های مختلف پرداخته و اهمیت آن را در شکل‌گیری هویت‌های انسانی و اجتماعی برجسته می‌کند. بر اساس نتایج مطالعات پیشین در خصوص عناصر اربعه، به‌ویژه عنصر آتش بر اساس نظریه باشلار، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ویژگی متمایز پژوهش حاضر، بهره‌گیری از رویکرد پدیدارشناسی نقد تخیلی گاستون باشلار در بررسی عنصر آتش و ارتباط این عنصر با تخیل انسانی در نگاره عروسی همای و همایون است.

خیال در اندیشه گاستون باشلار

گاستون باشلار، فیلسوف و نظریه‌پرداز ادبی فرانسوی، بر اهمیت تخیل در شکل‌دهی به آگاهی انسان تأکید ورزیده است. او تخیل را به دو نوع «تخیل رسمی»^۶ و «تخیل مادی»^۷ تقسیم می‌کند که هر دو در طبیعت و در ذهن انسان به‌طور فعال حضور دارند. تفاوت عمده بین این دو نوع تخیل در این است که تخیل رسمی به دنبال تجلیات مدرن و اشکال متنوع است، در حالی که تخیل مادی به عناصر ثابت و بنیادین تمایل دارد (باشلار، ۱۳۹۶: ۱۳-۱۵). در واقع، تمرکز اصلی او بر «تخیل مادی» قرار دارد، چراکه او نظریه تخیل خود را بر اساس تأثیر عناصر طبیعی، یعنی آب، آتش، خاک و باد، که تجارب بشری را به هم مرتبط می‌کنند، بنا کرده است. باشلار معتقد است که هنرمندان به‌ویژه شاعران، از طریق تخیل، این عناصر را به زبان تصویری و شاعرانه تبدیل می‌کنند. او در تلاش است تا علم را با شعر پیوند دهد و تحت تأثیر عقاید یونگی، به خیال اهمیت زیادی می‌دهد (باشلار، ۱۳۷۷: ۵۱) در مرحله نخست نقد تخیلی باشلار، که بیشتر در شعر به کار می‌رود، شاعر و هنرمند تلاش می‌کنند تا بنیاد صورت‌های خیالی از عناصر اربعه را بنا کنند. در ادامه، نیروی تخیل هر آنچه را که غیرضروری است، کنار می‌گذارد تا به بنیاد تصویرهای خیالی که غالباً تمایل به دگرگونی دارند، دست یابد (باشلار، ۱۳۹۶: ۳۴۵). او در نقد تخیلی پدیدارشناسی،

وجود و حرکت آن تأثیرات عمیقی بر دیگر عناصر دارد (باشلار، ۱۳۷۷: ۳۵).

جنید و نقش تخیل در مکتب نگارگری آل جلایر

جنید، یکی از نگارگران برجسته مکتب نگارگری «آل جلایر»^۸، نقش مهمی در توسعه و ترویج تخیل در هنر نگارگری ایرانی ایفا کرده است. آثار او به دلیل استفاده از تخیل و خلاقیت، نه تنها زیبایی بصری بلکه عمق معنایی و فرهنگی را نیز به نمایش می‌گذارند. او با بهره‌گیری از تخیل خود، توانسته است مفاهیم انتزاعی و نمادین را به صورت بصری تجسم کند. این امر به او این امکان را می‌دهد که احساسات و افکار عمیق انسانی را در آثار خویش به تصویر بکشد.

در نقاشی‌های جنید، فضای تصویری به‌طور کامل‌تری گسترش یافته و هیچ نقطه‌ای از تصویر خالی از رنگ و نقش نیست. تصاویر با مضامین شاعرانه و احساسات عمیق الهام گرفته شده‌اند و فضای خیال‌انگیزی را به تصویر کشیده‌اند. رنگ‌های درخشان و ناب، ترکیب‌های هنری زیبا و خطوط اصلی به‌خوبی تنظیم شده‌اند و روش‌هایی برای نمایش احساسات به کار رفته است. همچنین، فضاهای درونی در آثار جنید استحکام بیشتری دارند و تناسب میان پیکره‌ها و فضاها به‌خوبی رعایت شده است. ایجاد فضایی تغزلی و شاعرانه در نگارگری نتیجه کارهای استاد جنید است (کاظمی و میلانی، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

او در آثار خود از رنگ‌ها و فرم‌های متنوعی استفاده می‌کرد که به تخیل بیننده کمک می‌کند و او را به دنیای تخیل و خیال‌پردازی دعوت می‌کند. این تخیل جنید تحت تأثیر فرهنگ و هنر زمانه خویش بود که با الهام از ادبیات و فلسفه‌های معاصر، توانست آثار خود را غنی‌تر کند و به آنها عمق بیشتری بدهد. جنید نگارگر با استفاده از تخیل و خلاقیت خود، توانست آثار ماندگاری در مکتب نگارگری آل جلایر خلق کند که نه تنها زیبایی بصری داشتند بلکه حامل پیام‌های عمیق فرهنگی و اجتماعی نیز بودند. این آثار به ما نشان می‌دهند که چگونه تخیل می‌تواند در هنر به ابزاری قدرتمند برای بیان احساسات و افکار انسانی تبدیل شود.

معرفی نگاره «عروسی همای و همایون» اثر جنید

نگاره عروسی همای و همایون اثر جنید (تصویر ۱)، یکی از آثار برجسته مکتب نگارگری ایرانی است که در دوره آل جلایر خلق شده است. این تمثیل بخشی از نسخه خطی همای و همایون اثر خواجوی کرمانی است که اینک در «موزه بریتانیا»^۹

بلکه معنایی تاریخی را نیز منتقل می‌کنند (حریری و چاوشی، ۱۴۰۲: ۱۴۶). آتش به عنوان نخستین شیء و پدیده‌ای است که ذهن بشر به آن اندیشیده و در نظر انسان‌های پیش از تاریخ، از میان تمامی پدیده‌ها، آتش خاصیتی ممتاز دارد. این عنصر نه تنها منبع نور و گرما به شمار می‌آید، بلکه به عنوان نمادی از زندگی و تحول نیز شناخته می‌شود (باشلار، ۱۳۷۷: ۱۵۰). باشلار بر این باور است که تمامی عناصر موجود در یک متن ادبی نیازمند کمی از عنصر آتش برای جان بخشی به آن هستند (خطاط، ۱۳۸۲: ۴۶-۴۷). باشلار شعله شمع را نمادی از زندگی و نور می‌داند که نشان‌دهنده آرزوها و اشتیاق‌های انسانی است. او معتقد است که این شعله می‌تواند احساسات عمیق و درونی انسان را نمایان کند (باشلار، ۱۳۷۷: ۴۵). او تأکید می‌کند که آتش فراتر از یک عنصر فیزیکی است و به دلیل توانمندی خود در تحریک تخیل، به یک عنصر متافیزیکی تبدیل می‌شود. این ویژگی آتش به آن اجازه می‌دهد که در هنر و ادبیات به عنوان یک نماد قدرتمند عمل کند (همان، ۲۵). باشلار بیان می‌کند که شعله شمع در طول تاریخ، حس آرامش و تأمل را در انسان‌ها برانگیخته و فضایی برای اندیشیدن فراهم کرده است. این ویژگی به انسان‌ها کمک می‌کند تا به درون خود نگاهی عمیق‌تر بیندازند (همان، ۲۴-۲۶). آتش همواره نمادی از تغییر و دگرگونی است. شعله به‌طور مداوم در حال تغییر شکل و وضعیت است و این نمایان‌گر حالت ناپایدار وجود انسان می‌باشد (باشلار، ۱۳۷۸: ۲۳-۲۵). باشلار از پوشش شعله به عنوان حاصل ترکیب بین نور و تاریکی یاد می‌کند و معتقد است که این ترکیب نمایان‌گر دوگانگی درون و برون انسان است (باشلار، ۱۳۷۷: ۳۴-۳۷). او همچنین به اهمیت آتش در توسعه فرهنگ و هنر اشاره دارد و تأکید می‌کند که حضور آتش به عنوان یک نماد در هنر، همواره مفهوم زندگی و مرگ را در بر می‌گیرد (پورشهرام، ۱۳۹۲: ۴۴). خاک: از منظر باشلار، خاک علاوه بر نقش خود به عنوان یک عنصر فیزیکی، بیانگر نماد فرهنگی و معنوی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. او همچنین به تأثیرات روان‌شناختی و فلسفی خاک بر تخیل و هنر اشاره می‌کند و آن را به عنوان یک منبع الهام برای شاعران و نویسندگان معرفی می‌نماید (Bachelard, ۲۰۰۲: ۲۸-۳۱).

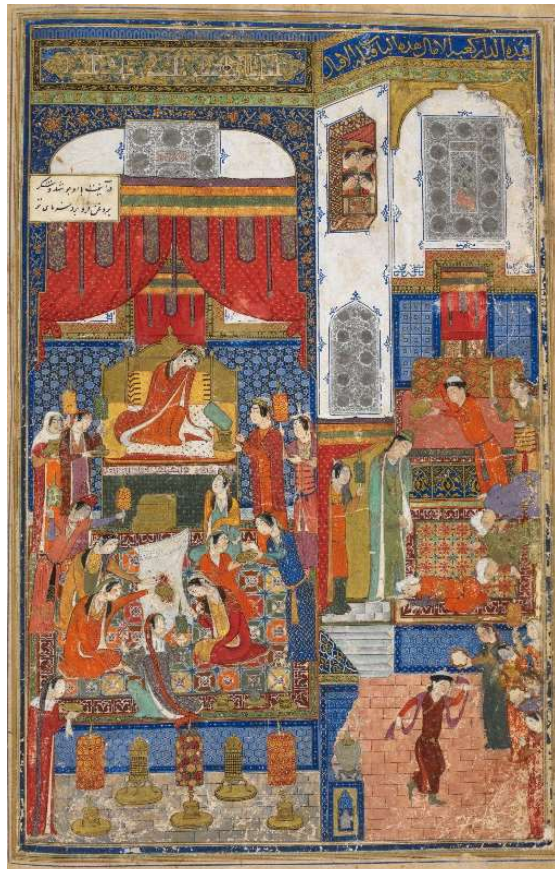
باد: گاستون باشلار در نظریه‌های خود به عنصر باد به عنوان نماد مهمی در تخیل و ادبیات اشاره می‌کند. باد، به عنوان موجودی نادیدنی و نامرئی، تجلی‌گر آزادی، حرکت و تغییر است. باشلار باد را به عنوان نماینده روح و زندگی در نظر می‌گیرد، چراکه

عاشقانه و اسطوره‌ای است.

نقش عنصر آتش در فرهنگ و نگارگری ایرانی

در بسیاری از فرهنگ‌ها، آتش نمادی از گرما و عشق شناخته می‌شود و در مراسم عروسی‌ها، به عنوان نمایانگر حس شادی و سرزندگی به تصویر کشیده می‌شود. در ادبیات و هنر، آتش وسیله‌ای برای پاکسازی گذشته‌ها و آغاز زندگی جدید بسیار مطرح است (حریری و مظفری، ۱۴۰۲: ۱۳۱-۱۳۹). در ایران باستان، آتش به عنوان نماد راستی و نیروی اهورامزدا در برابر نیروی دروغ و اهریمن شناخته می‌شد. زرتشت، با احترام به آتش و قرار دادن فلز گداخته بر سینه‌اش، پیام خویش را به اثبات رساند (بختورتاش، ۱۳۹۱: ۱۷۴). بر اساس متون تاریخی، ایرانیان نخستین جوامع بودند که به تقدس آتش توجه کردند و آن را به نور اهورامزدا مقدس ساختند. نمونه‌های بارز این تقدس را می‌توان در آتشدان‌هایی مشاهده کرد که در میدان‌های جنگ روشن می‌شدند و تصاویری از آنها در پشت سکه‌ها و سنگ‌نوشته‌های شاهان هخامنشی دیده می‌شود. همچنین، جزئیات آتشدان در سکه‌های اردشیر اول نیز نمایان است. در ایران باستان، طراحی آتشدان به گونه‌ای بوده که یک سه پایه فلزی بر روی آن قرار می‌گرفت و آتش مقدس در بالای آن می‌درخشید (کیرستین سن، ۱۳۶۸: ۲۳۴). محتوای نگاره‌های اسلامی به وضوح نشان‌دهنده اعتقاد و باور عمیق هنرمندان به تجلی نور الهی و انرژی‌ای است که از ترکیب آتش و طلای شمس حاصل می‌شود. این نور نمایانگر تقدس، قدرت معنوی، و نور فر از دایره شکوه و نیز نبوغ و فضیلت است. این نگاره‌ها علاوه بر نشان دادن نور متعالی معرفت، به ما این حس را منتقل می‌کنند که زندگی و انرژی حیاتی از سر و خرد در جریان است (کوپر، ۱۳۷۹: ۳۷۸). آتش، به عنوان یک نماد در هنر نگارگری ایران، دارای معنای چند بعدی و ظریفی است که به طوری پیچیده در بستر فرهنگی و مذهبی این منطقه تنیده شده است. این تصویر معمولاً حاوی لایه‌های عمیقی از معنا بوده و به روایت‌گری بصری کمک می‌کند. همچنین، در نسخ نگارگری، آتش به عنوان ابزاری برای به تصویر کشیدن داستان‌های اسطوره‌ای و وقایع تاریخی به کار می‌رود. شعله‌های آتش به عنوان نمادی از لحظات دگرگونی، مداخلات الهی یا نماینده روح پایدار مردم ایران در زمان‌های مختلف تلقی می‌شود (حریری و چاوشی، ۱۴۰۲: ۱۴۶).

نگهداری می‌شود این اثر در ۷۹۸ ه.ق و در بغداد مصورسازی شده است. موضوع نگاره داستان عشق همای، شاهزاده سرزمین شام، به همایون، دختر فغفور چین را به تصویر می‌کشد. این داستان شامل موانع و دشواری‌هایی است که همای در راه رسیدن به معشوق خود با آنها مواجه می‌شود و در نهایت به مراسم ازدواج آنها در چین می‌انجامد (آشوری و حسینی، ۱۳۹۰: ۳۹). امضای جنید با عنوان «عمل جنید نقاش السلطانی» به رنگ قرمز بر روی سطحی شجره مانند و پوشیده از تزیینات گچ‌بری در سمت چپ و بالای تصویر دیده می‌شود. در نگاره مورد بحث همای با جامه‌های سبز رنگ در حال ترک حجره همایون است و با بارش سکه‌های طلا خوشامدگویی می‌شود. سه خدمتکار که عمامه‌های سفید بر سر دارند در مقابل او سجده کرده‌اند و یکی از آنها در حال بوسیدن پای همای است (همان، ۴۰). این اثر نمایانگر تخیل و خلاقیت هنرمند در بازآفرینی داستان‌های



تصویر ۱. جشن ازدواج همای و همایون، دیوان خواجوی کرمانی، بغداد (۷۹۸ ه.ق)، کتابخانه بریتانیا، لندن (خواجوی کرمانی، ۱۳۹۳: ۹۰)

تجلی آتش در نگاره «عروسی همای و همایون» بر اساس

نقد تخیل نظریهٔ باشلار

بر اساس نظریهٔ باشلار، آتش به عنوان یک عنصر تخیلی، می‌تواند به عنوان نمادی از پاکی و تجدید حیات و ابزار برای بیان احساسات و عواطف در هنر مورد استفاده قرار گیرد (باشلار، ۱۳۷۷: ۴۵).

همای و همایون با ورود به زندگی مشترک خود، با شعله‌های آتش تجدید حیات می‌کنند و هر دو به سمت آینده‌ای روشن و پر از عشق و امید حرکت می‌کنند. جنید با استفاده از آتش در این نگاره به نوعی به تجسم احساسات و عواطف شخصیت‌ها پرداخته است. شعله‌های سوزان و نور ملایم آتش، فضای شاد و پر انرژی مراسم را تقویت می‌کند و عاملی برای بروز احساسات عمیق انسانی به شمار می‌رود. می‌توان گفت که عنصر آتش در نگاره عروسی همای و همایون، نه تنها یک عنصر بصری بلکه به عنوان یک نماد عمیق از عشق و شور در زندگی انسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نگاره حاضر، شمع‌ها شکل و شمایل ویژه‌ای را دارا هستند، همان‌گونه که در (تصویر ۱) مشاهده می‌شود، اطراف آنها با پارچه نسبتاً ضخیمی احاطه شده و فقط شعله شمع از بالای آنها نمایان است. طرح روی این پارچه‌ها از گل‌ها و گلخانه‌های ریزی پوشیده شده و برای برخی از آنها طرح‌های یکسان و مشابهی وجود دارد. این پوشش شمع‌ها بیشتر نقش سایبان را ایفا می‌کنند نه فانوس یا حباب را و شبیه سایه‌بان یا نورتاب‌های قرون وسطایی عمل می‌کنند (زند داودی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰). در پایین تصویر، سه عدد از شمع‌ها نیز بر روی پایه‌های طلایی گذاشته شده‌اند. این شمع‌های پایه‌دار در مجالس زنانه، به‌ویژه در مراسم مذهبی یا در ساعات اولیه صبح مورد استفاده قرار می‌گرفتند. شمع در آن دوران دارای دو جنبه بود: یکی به عنوان منبع نور برای مجالس شبانه و دیگری به عنوان وسیله‌ای برای دور کردن نحوست و شرارت در مناسبت‌هایی نظیر ازدواج، تولد و وفات (بلر، ۱۳۹۴: ۲۹). از دیدگاه باشلار شعله دارای خلاقیت است و به ما الهام و روشنائی شاعرانه هدیه می‌کند تا در پرتو نور آن بتوانیم از حیات شعله‌ور جهان، بهره‌مند شویم. (باشلار، ۱۳۷۷: ۶۸). در زمانی که تفکر با خواب دیدن و خیال‌پردازی از یکدیگر جدایی نداشتند و این دو به‌طور هم‌زمان پیش می‌رفتند، شعله شمع می‌توانست معیاری حساس برای ارزیابی آرامش ذهن و اندازه‌گیری آسایش خالص باشد؛ آسایشی که تمامی جنبه‌های زندگی را در بر می‌گیرد و به خیال‌پردازی راحت و دلپذیر، استمرار و پایداری می‌بخشد (همان، ۲۶). شعله

شمع ما را وادار می‌کند که خوب ببینیم و لذت بیشتری از دیدن را، فراتر از آنچه همواره مشاهده شده، مشخص می‌سازد (باشلار، ۱۳۷۷: ۱۰). با توجه به موضوع این اثر به تصویر کشیدن شعله شمع‌ها به‌وضوح بیان‌کننده عمل انجام لذت جنسی است. این عنصر به تجلی احساسات و عواطف در این اثر هنری پرداخته و همچنین به پیوند عمیق میان شخصیت‌ها و آغاز دوباره زندگی مشترک آنها اشاره می‌کند. در نگاره عروسی همای و همایون، می‌توان عاشقانه‌های بسیار پرشور و عشق میان شخصیت‌ها را در شعله‌های آتش جست‌وجو کرد. آتش نه تنها نمایان‌گر عنصر جاذبه میان همای و همایون است، بلکه همچنین بیان‌گر دگرگونی‌ها و تحولات عشق آنان در زندگی مشترک نیز می‌باشد. حرارت آتش به‌درستی در قالب شعله شمع‌های حاضر، حال و هوای جشن عروسی را غنی می‌کند و روح زندگی و عشق را در این مراسم به تصویر می‌کشد. از جنبه‌های زیبایی‌شناختی، شعله‌های آتش در این نگاره نه تنها به عنوان یک عنصر بصری، بلکه شکل‌دهنده فضای احساسی و جذاب برای بیننده نیز عمل می‌کند. نور و رنگ شعله‌ها کمک می‌کند تا فضایی جادویی و شگفت‌انگیز ایجاد شود که بیننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تأثیر بصری به همراه تجلی احساسات عمیق، باعث برقراری ارتباطی عاطفی با بیننده و تحرکی در تجربیات احساسی او می‌شود. در نگرش باشلار، آتش، به عنوان نمادی از تخیل انسانی، قدرت آن را به‌خوبی نمایان می‌سازد. وقتی در نگاره عروسی همای و همایون به عنصر آتش نگاه می‌شود، جزئیات متن و تصویر به یکدیگر پیوند می‌خورند تا تصویری سرشار از احساسات و تخیل را به وجود آورند. آتش به عنوان یک عنصر جادویی در فضا و زمان عمل می‌کند و امکان تجربه و تحقق رویاها و آرزوها را فراهم می‌آورد. این جنبه از آتش به‌ویژه در سیاق عروسی همای و همایون به‌خوبی نمایان است؛ جایی که عشق و تخیل دست به دست هم داده و آینده‌ای پر از زیبایی و امید را ترسیم می‌کنند.

حضور شمع‌ها در نگاره

آتش در این نگاره به‌طور خاص به صورت شمع‌های روشن وجود دارد. این عناصر نه تنها به عنوان منابع نور در تاریکی عمل می‌کنند، بلکه نمادهای قوی‌تری از روشنائی، امید و زندگی نیز هستند. در سنت‌های فرهنگی ایران، آتش همواره به عنوان سمبلی از آغازهای نو و جشن‌های خاص معرفی شده است. در مراسم عروسی، آتش به عنوان یک عنصر مقدس و انرژی‌بخش، حس

جدول ۱. تصویر شمعی‌های حاضر در نگاره عروسی همای و همایون (نگارندگان).

				تصویر شمع
۱	۲	۳	۴	ردیف
				تصویر شمع
۵	۶	۷	۸	ردیف
				تصویر شمع
۹	۱۰	۱۱	۱۲	ردیف

که نماد عشق و اشتیاق است، در کنار رنگ‌های زرد و نارنجی که نمایان‌گر گرما و شادی هستند، ترکیبی پویا و جذاب ایجاد می‌کند. این رنگ‌ها در کنار جزئیات تزئینی، نه تنها زیبا به نظر می‌آیند، بلکه عمق معنایی را در مورد عشق و اتحاد شخصیت‌ها ابراز می‌کنند. طراحی هنرمندانه و استفاده از الگوهای خاص در شمع‌ها، جهانی از حس و معنای عمیق‌تر را فراهم می‌آورد که می‌تواند دلالت بر سنن فرهنگی و اجتماعی در مرزهای تاریخی مختلف داشته باشد. اما با اندک دقتی در نگاره، می‌توان به رابطه مثلثی شکل شمع‌ها و هم رنگ بودن حباب‌های پارچه‌ای پی برد. تمامی دوازده شمع حاضر در نگاره مورد بحث به صورت ترکیب‌بندی مثلثی به یک

سرزندگی و شادی را به تصویر می‌کشد. وجود عنصر آتش در قالب شعله‌های شمع در این نگاره، فراتر از تأمین نور، نمایان‌گر احساسات مرتبط با اتحاد و عشق بین شخصیت‌ها است. تعداد شمع‌های حاضر در نگاره مورد نظر دوازده عدد می‌باشد که همان‌گونه که ذکر شد، همگی دارای حبابی در اطراف خود هستند (جدول ۱)، به جز یکی از آنها که در سمت چپ نگاره در دست یکی از خدمه‌های مرد مشاهده می‌شود.

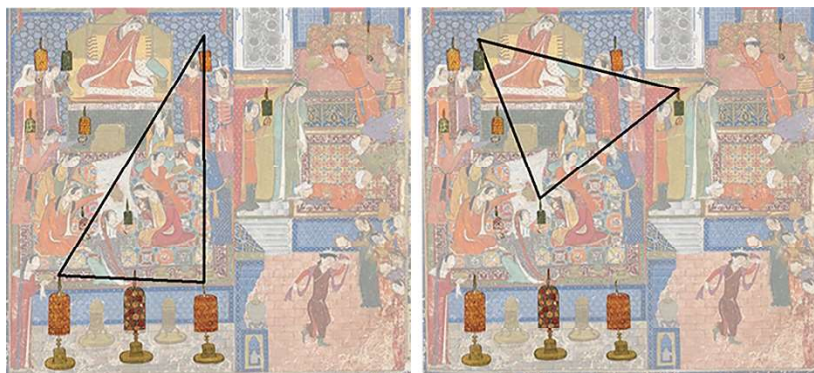
در تزئینات حباب‌های پارچه‌ای، نقاش بیشتر از رنگ‌های گرم استفاده کرده است. این رنگ‌های گرم و متنوع به کاررفته در طراحی شمع‌ها تأثیر چشم‌گیری بر احساس کلی تصویر دارد. رنگ قرمز،

فلزکاری خراسان بود که بعد از هجوم مغولان از میان رفت و هنرمندان فعال در این حوزه از خراسان به سمت غرب رهسپار شدند و در آنجا هنر خود را با سبک هنرمندان بغداد و موصل تلفیق کردند. هنرمندان در این دوره با ساخت اشیاء و ظروفی چون پایه شمعدان‌ها، عودسوز، مشعل، سینی، قاب قدح و... هنر خود را به یادگار گذاشتند (حیدرآبادیان: ۱۳۹۲: ۱۵۷). پایه شمعدان‌ها معمولاً در انواع و شکل‌های گوناگون ساخته می‌شدند که یک نوعی از آنها شبیه به شکل زنگوله بود. از جمله این نوع شمعدان‌ها، شمعدانی برنجی با تزئینات کنده‌کاری شده و مرصع به نقره است.

در (تصویر ۴) این اثر با ارتفاع ۴۲ سانتی‌متر متعلق به سده هفتم هجری بوده که به بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی اهدا شده است (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۱۳۳۲). شمعدانی برنجی

دیگر مربوط می‌شوند که دو نمونه از این ارتباط اشاره شده است. ترکیب مثلث مانند در یک اثر هنری، از استحکام خاصی برخوردار بوده و نقاش بدین طریق به شمع‌ها استحکام و انسجام بیشتری بخشیده است. این نوع چینش همچنین به بیننده احساسات و تأثیرات متنوعی را منتقل می‌کند (تصویر ۲).

در ارتباط با بکارگیری پایه شمعدان‌های فلزی برای شمع‌های نگاره مذکور دلالت بر اهمیت این عنصر در دوره آل جلایر است. (تصویر ۳) فلز ایرانی در نگاه اول ممکن است چندان مورد توجه نباشد، طرح‌های ساده، رنگ‌های تیره، تزئینات پر از جزئیات و یا مرصع‌کاری‌های پر زرقی که به نظر می‌رسد از شور و خیال‌انگیزی بی‌بهره‌اند. اما با آشنایی عمیق‌تر با برترین آثار، زیبایی خاصی نمایان می‌شود که به‌طور کامل به آنها تعلق دارد (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۲۸۷۳). از جمله سبک‌های مهم، هنر



تصویر ۲. ارتباط مثلثی شمع‌ها در نگاره (نگارندگان).



تصویر ۴. سمت راست: شمعدان برنجی متعلق به قرن ۹ ه.ق (همان، ۱۳۷۵)، سمت چپ: از شمعدان‌های کار شده داخل نگاره (نگارندگان).



تصویر ۳. شمعدان برنجی مربوط به قرن ۷ ه.ق (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۱۳۳۲)

یک عنصر بصری، بلکه ابزاری برای بیان عشق و شور زندگی است. تجلی عنصر آتش در این نگاره، نمایانگر پیوند عمیق بین شخصیت‌ها و شروعی نوین در زندگی مشترک آن‌هاست.

نمود آتش در شعله‌های شمع، به عنوان تجسید حیات و عشق به وضوح قابل مشاهده است. این بررسی نشان می‌دهد که آتش در اثر جنید، به صورت غیرمستقیم احساساتی چون شور و اشتیاق وصال یار را منعکس می‌کند و به مخاطب اثر این حس را القا می‌کند که هر شعله‌ای نمادی از امید و زندگی است. که مطابق با نظریه باشلار در رابطه با عنصر آتش این تجسم نه تنها نمایش‌دهنده‌ای از عنصر زندگی است، بلکه بیانگر ارتباطات عاطفی پویای انسان نیز آتش است. همچنین با توجه به بررسی شمع‌ها در نگاره حاضر، الگوها و نقوش به کار رفته بر روی شمع‌دان‌ها به درستی نشان‌دهنده سنت ازدواج و فرهنگ جامعه دوره جلایر بوده، چراکه امر ازدواج از دیرباز برای ایرانیان امری الهی بوده است. این جزئیات نه تنها روایت بصری را غنی می‌کنند، بلکه طیف گسترده‌ای از تاریخ و پیشینه فرهنگی را نیز بازتاب می‌دهند. به عبارتی دیگر، این الگوها می‌توانند گویای تحولات اجتماعی و فرهنگی در بطن جوامع مختلف باشند و بر درک عمیق‌تری از مشکلات و نیازها و آرزوهای انسانی بیفزایند. در این بین، طراحی‌های تزئینی و رنگ‌های گرم به کار رفته در نگاره نیز، بر جذابیت و تأثیرگذاری کلی تصویر بر مخاطب اثرگذار هستند. این عناصر موجب تولید احساس گرما و صمیمیت می‌شوند و به عنوان ابزاری برای ایجاد ارتباط عاطفی با بیننده استفاده می‌شوند. وجود این حس نزدیکی و صمیمیت، به نوعی تجلی‌گر ارزش‌های انسانی هستند.

به بلندای ۲۵ سانتی‌متر است که در قرن نهم هجری ساخته شده است. این پایه شمع‌ها که جنس بیشتر آنها برنج و گاهی مفرغ بود، بر روی بشقاب‌های کم عمقی قرار می‌گرفتند که در نگاره‌ها به رنگ طلایی دیده می‌شوند. برای تزیین آنها نیز از بیشتر از نقوش زیبای اسلیمی و ختایی استفاده شده که بعضاً با کتیبه‌های حاوی خطی خوش، تلفیق شده‌اند (همان، ۱۳۳۲). این شمع‌دان از نظر ظاهری به یکی از سه شمع‌دان‌های موجود در قسمت پایین نگاره مزبور شباهت بیشتری دارد.

ملخص کلام، شمع‌ها در نگاره عروسی همای و همایون، از جنبه‌های مختلفی قابل تحلیل هستند. به عنوان زبان بصری، آنها هم‌زمان می‌توانند نماد عشق، امید و حیات باشند. هر شعله می‌تواند نمادی از زندگی و انرژی باشد و به نوعی تجسمی از آرزوها و تمناهای انسانی به حساب آید. این نقش شمع‌ها به عنوان نمایندگان بصری احساسات، نه تنها جلوه‌دهنده زیبایی، بلکه بازتابی پیوند میان عنصر آتش و تخیل از ارتباطات عمیق انسانی است. شمع‌ها در این نگاره منابع نور و هم به عنوان نمایندگان رابطه‌های عاطفی پرشور، عمل می‌کنند. ارتباط میان عنصر آتش و تخیل در نگاره حاضر با توجه به حضور شمع‌ها و ارتباط آن با موضوع نگاره مورد بحث به صورت کامل در راستای همخوانی با نظریه باشلار در خصوص این عنصر است.

نتیجه‌گیری

عنصر آتش در نگاره عروسی همای و همایون به عنوان یک نماد عمیق از احساسات و عواطف انسانی، به چشم می‌خورد. با توجه به نظریه گاستون باشلار، می‌توان گفت که آتش در این اثر نه تنها

پی‌نوشت‌ها

1. Wedding of Homay and Homayun
2. Junaid
3. Imagination
4. Phenomenological
5. Gaston Bachelard
6. Formal Imagination
7. Material Imagination
8. Al Jalayr
9. British Museum

فهرست منابع

- آشوری، محمد تقی؛ حسینی، مرضیه (۱۳۹۰)، تحلیل نگاره «ازدواج همای و همایون»، *مطالعات هنرهای تجسمی*، ۳۴، ۳۹-۴۸.
- باشلار، گاستون (۱۳۷۷)، *شعله شمع*، ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات توس.

باشلار، گاستون (۱۳۹۶)، *شعله شمع*، ترجمه مریم کمالی؛ محمد شیربچه، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

بختورتاش، نصرت الله (۱۳۹۱)، *نشان راز آمیز*، تهران: مؤلف.

بلر، شیلا (۱۳۹۴)، *واکاوی نسخه دیوان خواجوی کرمانی (کتابخانه بریتانیا لندن)*، تهران: انتشارات متن.

پوپ، آرتور؛ اکرم، فیلیس (۱۳۸۷)، *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)*، ترجمه نجف دریابندی و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

پورشهرام، سوسن (۱۳۹۲)، *تخیل ادبی کهن الگوی آتش در داستان سیاوش از منظر گاستون باشلار، فصلنامه تخصصی مطالعات داستانی*، سال اول، ۴، ۳۵-۴۶.

تحویل داری، نگین (۱۳۸۴)، *عناصر طبیعت و عالم تخیل در اشعار سهراب سپهری، مقالات اولین هم‌اندیشی هنر و عناصر طبیعت (آب، خاک، هوا و آتش)*، به کوشش اسماعیل آریانی، تهران: فرهنگستان هنر.

حریری، علی؛ چاوشی، مظفر علی (۱۴۰۲)، *آتش در نگارگری ایرانی (معناشناسی و بعد نمادین آتش در فرهنگ ایرانی)*، *مطالعات هنر*، ۲، ۱۲۵-۱۵۰.

Doi: 10.22083/ssa.2024.440501.1026

حیدرآبادیان، شهرام (۱۳۹۲)، *شکوه فلز (منتخب آثار هنر فلزکاری موزه رضا عباسی)*، تهران: انتشارات سبحان نور.

خواجوی کرمانی (۱۳۹۳)، *سه مثنوی (همای و همایون، کمال‌نامه، روضه الانوار)*، تهران: فرهنگستان هنر.

خطاط، نسرين (۱۳۸۲)، *نیچه از نگاه باشلار، نشریه پژوهش‌نامه علوم انسانی*، شماره ۴۰-۳۹، ۱-۱۶.

زند داودی، عسل؛ صنایع، فرناز سادات؛ داودی، فاطمه (۱۳۹۶)، *مطالعه نگاره ازدواج همای و همایون با استفاده از رویکرد شمایل‌شناسی، اولین کنفرانس ملی نمادشناسی در هنر ایران با محوریت هنر بومی در دانشگاه بجنورد*.

کاظمی، سجاد؛ میلانی، عبدالحسین (۱۳۹۶)، *هنر نگارگری و نقاشی دوره آل جلایر و تأثیر آن بر شکل‌گیری مکتب نگارگری هرات دوره تیموریان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، هشتم، ۲، ۱۲۳-۱۴۸*.
Doi: 10.30465/hcs.2017.2836

کریستین سن، آرتور (۱۳۶۸)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.

کوپر، جی سی (۱۳۷۹)، *فرهنگ مصور نمادهای سنتی*، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرشاد.

نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۶)، *باشلار، بنیانگذار نقد تخیلی، نشریه پژوهشنامه فرهنگستان هنر*، ۳، ۵۷-۷۲.

Bachelard. (2002). *The Earth and the Reveries of Will*. Translated by: Kenneth Haltman. Dalls: Dalls Indtute Publications, pp. 28-31.